

Study of Permissibility of Gender Selection in Imamiyah Jurisprudence*Behnam Qanbarpour¹, Sayyid Abulqasem Naghibi²***Abstract**

Selection of the gender of children has been one of the major humanitarian concerns. Nowadays, with the advancement of genetic technology, couples are choosing a gender-specific child of a pre-implantation genetic method with many goals such as preventing sexually transmitted diseases and the interest of parents in a child of a specific gender. The question that arises is whether such a practice that captures the space of chromosomes complies with the principles of shariah? Some jurists have considered the practice of such an act as a prohibited form of change in creation and contrary to divine providence, and others consider it as impermissible. The present research, which has been arranged by a descriptive-analytic method to prove the legitimacy of gender selection, emphasizes the idea that scientific advancement has provided this opportunity for human beings to discover some of the laws and traditions of creation to others by recognizing the relations of nature. Therefore, this conversion is not only contrary to divine providence; it is also a transit from one's perspective to another's providence, and its legitimacy is justified by adjectives such as the principle of the law and the rules of jurisprudence of the law, the law and the law.

Keywords

Jurisprudence, Sharia Law, Principle of Law, Rule of Law

Please cite this article as: Qanbarpour B, Naghibi SA. Study of Permissibility of Gender Selection in Imamiyah Jurisprudence. *Iran J Med Law* 2018; 12(44): 7-26.

1. Assistant Professor of Islamic Azad University of Qaemshahr, Law Department, Qaemshahr, Iran. (Corresponding author)

Email: behnamGhanbarpor45@yahoo.com

2. Associate Professor of Shahid Motahari University, Department of Law and Legal, Tehran, Iran.

Original Article Received: 4 July 2016 Accepted: 28 October 2017

بررسی حکم جواز یا عدم جواز انتخاب جنسیت در فقه امامیه

بهنام قنبرپور^۱

سیدابوالقاسم تقیعی^۲

چکیده

انتخاب جنسیت فرزندان یکی از دغدغه‌های مهم بشری بوده است. امروزه با پیشرفت فناوری ژنتیک برای انتخاب فرزندی با جنسیت مورد نظر زوجین از روش ژنتیکی پیش از لانه‌گزینی با اهداف متعددی نظیر پیشگیری از بیماری‌های وابسته به جنس و علاقه والدین به فرزندی با جنس خاص صورت می‌گیرد. پرسشی که مطرح است آن است که آیا چنین عملی که منجر به تصرف در فضای کروموزوم‌ها می‌شود با مبانی شرع مطابقت دارد؟ برخی از فقیهان حکم چنین عملی را حرام و مصداق تغییر در خلقت و مخالف با مشیت الهی تلقی نمودند و عده‌ای دیگر آن را با ذکر شرایطی بلامانع می‌دانند. پژوهش حاضر که با روش توصیفی تحلیلی به منظور اثبات مشروعیت انتخاب جنسیت سامان یافته است، بر این عقیده تأکید می‌ورزد که پیشرفت علمی این فرصت را برای انسان فراهم آورده است تا با شناخت روابط حاکم بر طبیعت از برخی قوانین و سنن آفرینش به بعضی دیگر روی آورد، لذا این روی آورد نه تنها مغایرت با مشیت الهی ندارد، بلکه گذر از مشیت به مشیت دیگر است و مشروعیت آن با ادله‌ای چون اصل اباحه و قواعد فقهی تسلیط، لاضرر و لاجرح قابل توجیه است.

واژگان کلیدی

فقه، حکم شرعی، اصل اباحه، قاعده تسلیط

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم‌شهر، گروه حقوق، قائم‌شهر، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: behnamGhanbarpor45@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه شهید مطهری، گروه فقه و حقوق، تهران، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۴/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۸/۶

مقدمه

از تمایزات انسان با سایر موجودات هستی این است که انسان موجودی انتخابگر آفریده شده است و در این دایره انتخاب می‌تواند گزینش‌های مطلوبی را برای خود رقم بزند. به عبارت دیگر آنچه انسان در حیطه انتخاب خود تدبیر می‌کند، آن خالق و مدبر نظام هستی برای وی تقدیر خواهد نمود. با پیشرفت روزافزون علم و فناوری، انسان به طور اعجاز‌انگیزی توانسته است طبیعت را به استخدام خود درآورد و حقیقت آیه ۲۹ سوره بقره «سخرنا لکم» را به منصفه ظهور برساند. از جمله دخل و تصرفات بشری حاصل از فناوری می‌توان به موفقیت‌های او در علم ژنتیک اشاره کرد. یکی از این دستاوردهای مهم، افزایش دایره انتخاب انسان در مسأله انتخاب جنسیت است. به عبارت دیگر، پیشرفت‌های اخیر در فناوری‌های زیست‌پزشکی، انتخاب جنسیت جنین را در مراحل پیش از لقاح و کاشت مقدور ساخته است. تعیین جنسیت به وسیله تشخیص ژنتیکی پیش از کاشت جنین، روشی صددرصد مؤثر و قطعی بوده و احتمال وقوع بارداری با جنین دارای جنسیت غیر مورد نظر را به صفر می‌رساند. در این روش پس از تجویز داروهای تحریک تخمک‌گذاری و تولید چندین تخمک، تخمک‌های بالغ توسط سونوگرافی تشخیص و جمع‌آوری می‌شوند، سپس این تخمک‌ها در محیط آزمایشگاه بارور می‌شوند و روز سوم (مرحله ۸ سلولی) برای انتخاب جنسیت و بیماری‌های ژنتیکی غربالگری می‌شود و در مرحله آخر جنین مذکر یا مؤنثی که مورد نظر زوجین است به داخل رحم منتقل می‌شود (۱).

اکنون با شکوفاشدن علم ژنتیک در عرصه باروری و انتخاب جنسیت این پرسش مطرح است که: آیا چنین عملی در فقه امامیه مشروعیت دارد؟ آیا این‌گونه دخل و تصرف در فضای کروموزوم‌ها و انتخاب جنس دلخواه از دخالت انسان در روند طبیعی تولید مثل محسوب می‌شود؟ آیا این عمل، مصداق تغییر در خلقت به شمار می‌آید؟ فقیهان شیعه در پاسخ به این پرسش‌ها اختلاف نظر دارند که به نظر می‌رسد استفاده از چنین روشی با رعایت شرایطی در برخی از موارد بلامانع باشد. از این رو برای پاسخ اساسی و مستدل به سؤالات مذکور ضروری است نخست، ماهیت عمل انتخاب جنسیت را تبیین و سپس نظر موافقین و مخالفین را ارائه نمود و آنگاه برای دستیابی به یک قضاوت صحیح و منصفانه آن‌ها را با موازین استنباط تطبیق داد تا نتایج مطلوبی ارائه شود.

معناشناسی تعیین جنسیت

دانشیان علم ژنتیک بر این باورند که اگر فرزندآوری با روش طبیعی صورت پذیرد، احتمال دختر یا پسرشدن تقریباً یکسان است، با این احتمال که گاهی ممکن است نسبت دخترها به پسرها و یا نسبت پسرها به دخترها افزون باشد، زیرا جنسیت فرزند بر اساس کروموزوم‌های جنسی X و Y تعیین می‌شود با این تفاوت که کروموزوم تعیین‌کننده جنسیت برای خانم X و برای آقا Y است. به عبارت دیگر، تخمک زن دارای کروموزوم جنسی XX است و به فرزندش می‌تواند فقط یک کروموزوم X بدهد، اما اسپرم مرد دارای دو کروموزوم جنسی X و Y است، بنابراین اگر اسپرم حاوی کروموزوم Y موفق به نفوذ در تخمدان شود، جنین پسر خواهد شد و اگر اسپرم حاوی X به تخمک وارد شود، جنین دختر خواهد بود (۲-۴). در نتیجه می‌توان گفت که کیفیت تلفیق کروموزوم‌های نوع X و Y با یکدیگر جنسیت فرزند را مشخص می‌کند؛ حال یا باید در این امر همانند گذشتگان تن به قانون احتمالات داد یا با استفاده از تکنولوژی نوین در این خصوص، مذکر یا مؤنث‌بودن فرزند را انتخاب کرد.

۱- روش‌های متداول در انتخاب جنسیت

تاریخ گواهی می‌دهد که انسان‌ها از روش‌های گوناگونی در انتخاب جنسیت فرزندان خود، بهره می‌جستند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به روش تغذیه‌ای و مقاربتی اشاره کرد. تجربه نشان داده است، استفاده از روش‌های مذکور اگرچه بدون خطر و کم‌هزینه است، اما نتیجه آن قطعی نیست، زیرا اگر تمام موارد لازم در تحقق این روش‌های فوق مو به مو اجرا شود، ولی یکی از زوجین مثلاً مشکل اسپرمی داشته باشد، نتیجه عکس خواهد بود. علاوه بر آن، کوچک‌ترین مانع و فقدان شرط مقتضی مانند: استرس، عصبانیت، محیط زندگی و روش زیست به نوعی می‌تواند تمام تلاش‌ها را برای داشتن فرزند دلخواه از بین ببرد، لذا استفاده از این روش‌ها ضرورتاً به نتیجه نمی‌انجامد (۵).

۲- روش آزمایشگاهی

با پیشرفت فناوری ژنتیکی، انتخاب جنسیت به روش آزمایشگاهی با گونه‌های متعدد صورت می‌پذیرد، از جمله می‌توان به تزریق اسپرم زوج با جنسیت دلخواه به رحم زن اشاره کرد، اما یکی از این روش‌ها که مطمئن‌تر از سایر روش‌هاست، روش تشخیص ژنتیکی پیش از لانه‌گزینی است. استفاده از این روش که مبنای علمی و پژوهشی دارد، تعیین جنسیت را گاهی

تا صد درصد قابل اطمینان می‌سازد. در این روش، نخست با تجویز داروهای تحریک تخم‌گذاری، تعدادی تخمک از زوجه گرفته می‌شود، سپس در فضای آزمایشگاه، اسپرم‌های زوج را به داخل تخمک‌ها تزریق می‌کنند و جنین تشکیل می‌شود. آنگاه یک سلول از جنین تشکیل شده با روشی به نام «PGD» یا همان تغییر جنسیت قبل از تولد مورد آزمایش قرار می‌گیرد تا مشخص شود جنین مذکر است یا مؤنث، سپس با توجه به خواسته قلبی زوجین، تصمیم‌گیری می‌شود، پس از توافق و تراضی آنان جنین دلخواه با روش IVF به رحم زن منتقل می‌شود. محققان نیز بر این عقیده‌اند که به کارگیری روش آزمایشگاهی اگر شرایط مهیا باشد و موانعی پیش‌بینی نشده در فرآیند آن اختلال ایجاد نکند، وقوع فرزندآوری با جنین جنسیت دلخواه قطعی است (۶).

ادله مخالفین انتخاب جنسیت

عده‌ای از فقیهان و صاحب‌نظران با مخالفت به حکم انتخاب جنسیت، آن را نوعی مداخله در کار خدا تلقی کرده‌اند؛ آنان معتقدند که تعیین جنسیت برخلاف فرایند طبیعی فرزندآوری است و موجب بروز چالش‌های اخلاقی و اجتماعی در جامعه می‌شود و با ذکر دلایلی متعدد به شرح ذیل، این عمل را مطلقاً حرام دانسته‌اند.

۱- تغییر در خلقت خداوند

اولین و مهم‌ترین دلیلی که مخالفان تعیین جنسیت مطرح می‌کنند استناد به مفاد آیه ۱۱۹ از سوره نساء است: «وَلَا تُضِلُّهُمْ وَ لَا أُضِلُّهُمْ وَ لَا مَرِيئُهُمْ وَ لَا مَرْنَهُمْ فَلْيَبْتَئِكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَ لَا مَرْنَهُمْ فَلْيَغْيِرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ...؛ آن‌ها را گمراه می‌کنم و به آرزوها سرگرم می‌سازم و به آنان دستور می‌دهم که اعمال خرافی انجام دهند و گوش چهارپایان را بشکافند و آفرینش خدای را تغییر دهند.»

در آیه مذکور، خداوند متعال از قول شیطان سخن می‌گوید و تغییر در خلقت را یک عمل شیطانی معرفی می‌کند و به نکوهش آن می‌پردازد، یعنی هر چیزی که ما آن را از مسیر اصلی و طبیعی خود خارج کنیم، مشمول تغییر در خلقت شده‌ایم و به نص آیه فوق عمل حرامی انجام داده‌ایم، مگر در مواردی که جواز تغییر آن با دلیل خاص ثابت شده است، مثل گرفتن ناخن و زدودن موهای زاید (۷).

وجه استدلال آیه شریفه برای حرمت انتخاب جنسیت این است که تغییر و تفکیک کروموزومها از یکدیگر و خارج نمودن آنها از روند طبیعی و وارد کردن کروموزوم خاص به رویان برای به دست آوردن جنس دلخواه، نوعی تغییر در خلقت محسوب می‌شود و فاعل آن مرتکب فعل حرام شده است.

۱-۱- نقد استدلال: برای پاسخ به این مناقشه می‌توان گفت که اولاً با توجه به شأن نزول، آیه مذکور اشاره به یک رسم جاهلی عرب دارد که در زمان جاهلیت قبل از اسلام رواج داشت، به این صورت که هرگاه شتری چند بار می‌زایید، گوش آن را می‌بریدند استفاده از گوشت، شیر و سوار شدن آن را بر خود حرام می‌کردند و در واقع شتر در راه بت‌ها وقف می‌شد و خلاف اهداف خلقت حیوان، استفاده از آن را تحریم می‌کردند (۸). روشن است که آیه شریفه در مورد خاص نازل گردید و تسری آن به موارد دیگر چون انتخاب جنسیت فاقد وجهت است؛ ثانیاً دخل و تصرف معقول و متعارف در طبیعت با مقام خلیفه بودن انسان در روی زمین سازگاری دارد، زیرا وی اشرف مخلوقات است و همه آفریده‌های هستی در تسخیر و سیطره او نهاده شده‌اند. به تعبیر دیگر، تسخیر طبیعت دارای مراتب است که یکی از مراتب آن، گزینش علتی از علل در فرایند شکل‌گیری جنسیت فرزند می‌باشد؛ ثالثاً اگر هرگونه تغییر و تصرف در طبیعت را عمل شیطانی و حرام بدانیم، ناگزیر باید نسبت به بسیاری از دستاوردهای علمی بشری بی‌تفاوت باشیم و اختراعات و اکتشافات سودمند وی را نادیده بگیریم. به عنوان مثال تغییراتی چون عمل جراحی، جداسازی دوقلوهای به هم چسبیده، اصلاح نژاد گیاهان و حیوانات، حفر تونل، استخراج نفت و گاز و... همگی به نوعی تغییر در خلقت محسوب می‌شوند، ولی حرام نیستند؛ رابعاً برخی از مفسران بر این عقیده‌اند که مراد از تغییر در خلقت دو گونه است: ۱- تغییر در ظاهر خلقت، یعنی افراد با وسوسه‌های شیطانی دست در تغییر خلقت ظاهری خود می‌برند، به عنوان مثال، مردان خود را به شکل زنان درآورند و بالعکس یا اعمال قبیحی چون لواط و مساحقه مرتکب می‌شوند که از موارد مسلم و متقین خروج از روند طبیعی خلقت است (۹)؛ ۲- تغییر در دین خدا؛ منظور این است که برخی از دین خدا که بر فطرت آن سرشته شدند، فاصله می‌گیرند و تغییر در دین خدا می‌دهند. به عبارت دیگر، خداوند در نهاد انسان‌ها گرایش به توحید و یکتاپرستی قرار داده، ولی شیطان با وسوسه‌های خود و با آرزوهای خیالی و هوس او را از مسیر واقعی منحرف می‌سازد، به بیراهه می‌کشاند، چنانچه از امام

باقر (ع) و امام صادق (ع) نقل شده است که منظور از تغییر خلقت در آیه شریفه، تغییر دین خدا است (۱۰).

با این توضیح می‌توان اذعان نمود که تعیین جنسیت از مصادیق تغییر در خلقت نیست، زیرا در علم ژنتیک، فرد با استفاده از دانشی که کسب کرده توانسته است به روابط حاکم بر کروموزوم پی ببرد و فرآیند شکل‌گیری را از رابطه‌ای به رابطه دیگر و از علتی به علت دیگر سوق دهد، لذا در این تصرف حقیقتاً تغییری در خلقت رخ نمی‌دهد، بلکه از علت خلقت جنسی به علت جنس دیگر روی آورده است.

۲- دخالت در اراده الهی

خداوند در سوره شوری آیات ۵۰-۴۹، انتخاب جنسیت فرزند را به خود نسبت داده است و هرگونه قدرت انتخاب بشری را در این امر نادیده تلقی می‌کند: «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِمَّا ذَكَوْرًا...؛ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین در سلطه اوست او هر که را که بخواهد دختر می‌بخشد و هر کس که بخواهد پسر عطا می‌کند.»

بر اساس آیه شریفه، خداوند نقش اصلی و مستقیم در مسأله باروری و عدم باروری حتی انتخاب جنسیت دارد. به تعبیر دیگر، نقش انسان در این زمینه تسلیم اراده الهی است. اراده خداوند است که در این زمینه نقش‌آفرینی می‌کند، یعنی عقیم‌بودن، تک‌جنس‌زایی و اراده و مشیت الهی است، لذا اگر انسان بخواهد در این زمینه دخالت کند و جنسیت نوزاد را تغییر دهد، در واقع با علم و اراده خداوند به مخالفت برخاسته است و فعل حرامی مرتکب شده است، چون تصرف در کروموزوم‌ها لازم می‌آید تا علم حق با واقع مطابقت نکند، لذا تخلف مراد از اراده حق، مستلزم نقصان و ناتمامی ذات حق خواهد بود.

۱-۲- نقد استدلال: روشن است که فاعل حقیقی در نظام آفرینش ذات اقدس الهی است

و همه قدرت‌ها در کف اقتدار او است، چنانچه خداوند حکیم در سوره انعام آیه ۵۹، اشاره دارد که بدون اذن او برگگی از درخت نمی‌افتد. او هر چه بخواهد می‌آفریند، اما فراموش نشود که عالم خلقت، نظام علی و معلولی است، یعنی اراده الهی در تدبیر این عالم به گونه‌ای تعلق گرفته که اسباب و علل در تحقق مسببات تأثیر گذاشته و ظهور اراده خداوند در این عالم از مجرای علل نمایان می‌شود: «ابى الله أن يجرى الامور الا باسبابها»

(۱۱)، لذا انسان در این امر در طول اراده خدا است «الفعل فعل الله و هو فعلنا» (۱۲) چون انسان به عنوان موجودی مختار و خلیفه خداوند با اذن الهی می‌تواند در چارچوب نظام اسباب و مسببات عالم در طول اراده خداوند با استفاده از ظرفیت اختیار و خلافت و تسخیر، نقش‌آفرینی کند. به تعبیر دیگر، انتخاب انسان به معنی این‌که عادلانه که خود را نیز از مظاهر علم و اراده الهی است و حلقه‌ای از حلقه‌های علیت است موجب گزینش جنسیتی به جای جنسیت دیگر می‌شود، این همان مسأله بسیار عالی «بداء» است که قرآن کریم در سوره رعد آیه ۳۹ بدان تصریح می‌نماید «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»؛ خداوند هر چه را بخواهد [که قبلاً ثبت شده است] محو می‌کند و هر چه را که بخواهد [که قبلاً ثبت نشده است]، ثبت می‌کند. به عبارت دیگر، کتاب مادر (اصل و مادر همه کتاب‌ها و نوشته‌ها) منحصرأ نزد او است.

استاد شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد: در غیر مجردات که امکان هزاران نقش و رنگ را دارند و تحت قانون حرکت می‌باشند و همواره بر سر دوراهی‌ها و چهارراهی‌ها قرار می‌گیرند، قضا و قدرهای غیر حتمی وجود دارد، یعنی یک نوع قضا و قدر، سرنوشت آن‌ها را معین نمی‌کند، زیرا سرنوشت معلول در دست علت است و چون این امور با علل مختلف سر و کار دارند، پس سرنوشت‌های مختلف در انتظار آن‌هاست، لذا هر سلسله از علل را در نظر بگیریم، امکان جانشین شدن یک سلسله دیگر در کار هست، پس سرنوشت آن‌ها غیر حتمی است، به هر اندازه که «اگر» درباره آن‌ها صحیح است، قضا و قدرها هست و امکان تغییر و تبدیل وجود دارد (۱۳). بنابراین جنسیت فرزند نیز از جمله سرنوشت‌های غیر حتمی است که می‌توان علت جنسیتی را جایگزین علت دیگر کرد و جنسیت فرزند را در چارچوب قضا و قدر غیر حتمی انتخاب نمود.

۳- اختلال در نظم اجتماعی

از جمله اشکالاتی که می‌توان به مسأله تعیین جنسیت وارد کرد، این است که انتخاب جنسیت نوزاد به اختیار زوجین موجب ناهنجاری‌هایی چون برهم‌خوردن توازن جمعیت، تبعیض جنسیتی و پیامدهای منفی دیگری خواهد شد. به تعبیر دیگر آن توازنی که از سوی پروردگار عالم ایجاد شده و تقدیر الهی بر این بوده که فردی مذکر به دنیا بیاید و دیگری مؤنث متولد شود، حال اگر بنا باشد، فرد با استفاده از فناوری ژنتیکی در اسپرم‌ها دست ببرد و با تفکیک کروموزوم‌ها و ساخت جنین با جنسیت دلخواه در این عرصه ورود کند، در واقع

هماهنگی و نظم آفرینش را بر هم زده و در آینده‌ای نه چندان دور عواقب ناگواری را شاهد خواهد بود، چنانچه برخی از کشورها مثل چین و هند پیامد تلخ آن را تجربه کرده‌اند (۱۴).

۱-۳- **نقد استدلال:** به نظر می‌رسد مناقشه مذکور در صورتی درست است که ما تعیین جنسیت را بدون قید و شرط به صورت مطلق بپذیریم، اما اگر با حضور و نظارت پزشکان متعهد و متخصص بر مراکز باروری و تصویب قوانین خاص در این زمینه از قبیل محدود کردن بارورهای ژنتیکی، عدم اختلال اسپرم‌ها، استفاده از اسپرم زوج، به دست آوردن نطفه به شیوه حلال و... جواز آن را مشروط به شرایطی و ضوابطی بدانیم، مشکلی به وجود نخواهد آمد، لذا برای پیشگیری از چالش‌های اخلاقی و اجتماعی ناشی از اختلال در توازن جمعیت باید تدابیری مناسب اتخاذ گردد، زیرا تمایل به ایجاد تنوع جنسیت و تنظیم خانواده یک نوع حق طبیعی زوجین است بنابراین قبل از هر چیز، باید در این زمینه فرهنگ‌سازی کرد و با استفاده از امکانات فرهنگی، باورهای غلط تبعیض جنسیتی را از بین برد؛ ثانیاً برای برقراری توازن جنسیتی در جامعه باید مراکز باروری را در خصوص مسأله تعیین جنسیت مدیریت کرد و با صلاحدید مشاوران آگاه و وضع قانونی مدون و مصوب، حکم به جواز تعیین جنسیت را از فرزند دوم به بعد صادر نمود.

۴- مخالفت با قانونمندی طبیعت

برخی بر این باورند که ازدواج، انشای صورت انسانی است و در سلسله مباحث درسی خود در ذیل مراتب طهارت باب طهارت مولد، تأکید دارند که زوجین در امر فرزندآوری تن به قانون طبیعت در دهند و با صنعت از طبیعت فاصله نگیرند، زیرا صنعت از فهم قاصر بشری سرچشمه می‌گیرد، ولی طبیعت از علم ذاتی غیبی واحدی ذات لم یزلی برمی‌خیزد (۱۵). بنابراین تفکیک نطفه‌ها در فضای آزمایشگاهی و تشکیل جنین با جنسیت دلخواه با استفاده از فناوری‌های صنعتی فاصله گرفتن از قانونمندی طبیعت است و بدون شک چنین عمل غیر طبیعی با خود عوارض منفی فراوانی به همراه دارد که از ادراک ما پنهان است و عقول بشریت نسبت به آن قاصر است.

۱-۴- **نقد استدلال:** بدون تردید، نظام آفرینش نظام مبتنی بر حکمت و مصلحت است و قوانین حاکم بر کروموزوم‌ها نیز از جمله نموده‌های حکمت و مصلحت در نظام آفرینش هستند، لذا اگر زن و شوهری به جای کروموزوم Y، کروموزوم X را در تخمدان نفوذ دهند، جنس

دختر را برای فرزند خویش برگزینند؛ این فرآیند، خروج از دایره قانون طبیعت نیست، بلکه تن‌دادن به قانون طبیعت است، ولی آن طبیعتی که منتهی به جنس دختر می‌شود، زیرا در نظام آفرینش از دوگونگی قضا و قدر یاد شده است، یعنی هم قضا و قدر حتمی وجود دارد و هم قضا و قدر غیر حتمی؛ مثلاً مجردات علوی دارای قضا و قدر حتمی هستند، برخلاف موجودات طبیعی که از هر دو گونه آن برخوردارند، یعنی برخی جریان‌ها غیر قابل تبدیل هستند و در طبیعت باید از موجود دیگری سرچشمه بگیرد، مگر این‌که تبدیل شود به موجود غیر مادی این نیز قضا و قدر حتمی است. موجودات طبیعت به مرحله‌ای می‌رسند که تغییر مسیر برای آن‌ها غیر ممکن است یا باید معدوم شوند یا همان جریان را طی کنند، یعنی تقدیر حتمی پیدا می‌کنند، مثلاً سلول نطفه یک مرد که با تخمک یک زن جفت می‌شود و مجموعاً یک واحد سلول را تشکیل می‌دهند سرشت و طینت معینی را برای آینده کودک تشکیل می‌دهد و صفات موروثی خاصی را در کودک بعداً به وجود می‌آورند که در سرنوشت آینده او مؤثر است، بدیهی است که اگر سلول نطفه این مرد با تخمک زن دیگر جفت شده بود، واحد دیگر مغایر با این واحد و سرشت و طینت دیگری مغایر با این سرشت و طینت تکوین می‌شد، لذا پس از تکوین یک سرشت و طینت، دیگر نمی‌توان آن را به سرشت و طینت دیگر تبدیل کرد، یعنی در این مرحله قضا و قدر حتمی می‌شود (۱۶)، اما در مقابل برخی از موجودات طبیعی تحت تأثیر علل مختلف قرار می‌گیرند، یعنی یک نوع قضا و قدر سرنوشت آن‌ها را معین نمی‌کند، زیرا سرنوشت معلول در دست علت است، چون هر سلسله از علل را در نظر بگیریم، امکان جانشین‌شدن یک سلسله دیگر در کار هست، پس سرنوشت آن‌ها غیر حتمی است و استعداد و قابلیت پذیرش بیش از یک آینده را دارد. نتیجه این‌که قبل از تبدیل نطفه و تخمک و تشکیل جنین اگر بتوان با استفاده از دانش ژنتیک تغییر در کروموزوم داد و قبل از تکوین سرشت و طینت، کروموزوم دلخواه را به فضای رحم نفوذ داد هیچ مخالفتی با قانونمندی طبیعت صورت نگرفته است، لذا عمل مذکور، آفرینش جنسیت و تبدیل سنت نیست، بلکه گزینش سنت و طبیعت است.

دیدگاه موافقین انتخاب جنسیت

بسیاری از فقیهان معاصر، مسأله انتخاب جنسیت را با روش‌هایی چون رژیم غذایی، تنظیم آمیزش، لقاح مصنوعی یا تزریق اسپرم و حتی به کارگیری از روش آزمایشگاهی مشروط بر این‌که مستلزم مقدمات حرام نباشد و خلقت آن تکون یافته نباشد، فی‌نفسه جایز می‌دانند. عده‌ای دیگر، اصل مسأله تعیین جنسیت را قبول دارند، اما آن را مقید به شروطی چون وجود ضرورت و استفاده از اسپرم زوج نمودند و بر این عقیده‌اند که انتقال جنین تشکیل شده با جنسیت دلخواه در فضای آزمایشگاه به رحم زن و از بین بردن سایر جنین غیر مورد نظر با رعایت شرایطی بلامانع است (۱۷)، لذا موضوع انتخاب جنسیت نیز مثل سایر موضوعات مستحدثه درباره باروری‌های پزشکی نظیر رحم اجاره‌ای، تلقیح مصنوعی، شبیه‌سازی و... به دلایل غیر پزشکی (شرعی و اخلاقی) مورد اختلاف فقیهان معاصر است. به عنوان مثال مقام معظم رهبری در خصوص حکم اولی انتخاب جنسیت با روش‌هایی مانند رژیم غذایی، تنظیم زمان آمیزش، لقاح مصنوعی یا تزریق اسپرم و یا تصرف در نطفه یا جنینی که در آزمایشگاه لقاح یافته است، فرمود: این عمل فی‌نفسه اشکالی ندارد، اما اگر مستلزم نگاه یا لمس حرام باشد و یا با مفسد دیگری همراه باشد، جایز نیست (۱۸).

مبشر کاشانی در استفتای خود در این خصوص گفته‌اند: تصرف در نطفه، جهت تعیین جنسیت اشکالی ندارد، اما تصرف در جنینی که خلقت آن تکون یافته و جنسیت آن محرز شده، خالی از اشکال و منع شرعی نمی‌باشد (۱۹). همچنین سایر فقهای معاصر در استفتائی شبیه به هم، این عمل را با حفظ شرایطی بلامانع دانسته‌اند، مثلاً مراجع عظام نظیر: آقایان سیستانی (۲۰)، روحانی (۲۱) و مکارم شیرازی (۲۲) به اتفاق بر این عقیده‌اند که انتخاب جنسیت مستلزم نظر و لمس حرام نباشد، مانعی ندارد.

۱- ادله موافقین انتخاب جنسیت

برای اثبات صحت و مشروعیت عمل انتخاب جنسیت می‌توان به ادله متعددی به شرح ذیل تمسک کرد:

۱-۱- اصل اباحه: اصل اباحه بیانگر آن است که هر کاری مباح است، مگر آنکه بیانی از قرآن و روایات در برابر آن وجود داشته باشد: «کل شی حلال حتّی تعرف أنّه حرام بعینه» (۲۳)؛ به عنوان مثال اعمالی چون لواط و زنا حرام است، زیرا دلیل بینه بر حرمت این افعال قبیح وجود دارد، ولی در برخی از مباحث مستحدثه مانند انتخاب جنسیت

با تصرفات ژنتیکی قبل از احراز جنسیت، نص صریح بر حرمت آن وجود ندارد، لذا می‌توان در چنین شبهات تحریمیه که نص صریح از آیات و روایات وجود ندارد، حتی در برخی موارد بر آن منفعت مقصوده عقلایی نیز مترتب است حکم به اباحه نمود و حسب ظاهر چنین تصرفاتی که قبل از تکون جنسیت جنین در خارج از رحم انجام می‌گیرد را مباح فرض کرد؛ مشروط بر این‌که از حرام و مقدمات آن اجتناب گردد و از اسپرم شخص غیر زوج استفاده نشود.

۲-۱- قاعده تسلیط: یکی از دلایل قابل قبولی را که می‌توان در مشروعیت انتخاب جنسیت استناد کرد، قاعده تسلیط است: «الناس مسلطون علی اموالهم» (۲۴)، اما آنچه از متن روایت برمی‌آید، این است که قاعده مذکور اختصاص به اموال دارد، لکن برخی از فقها سلطه بر نفس و اعضا و جوارح را نیز در همین سیاق قرار دادند، یعنی همانگونه که اشخاص بر اموال خود سلطه دارند به طریق اولی بر نفس خود نیز سلطنت دارند و می‌توانند در آن تصرف متعارف و عقلایی انجام بدهند، زیرا بین آن دو اتحاد طریق است و با الغای خصوصیت می‌توان حکم به سلطه بر نفس را ثابت دانست؛ لازم به ذکر است که قاعده تسلیط بر نفوذ نیز قیود و شرایطی دارد از جمله انسان تا اندازه‌ای می‌تواند از این سلطه بهره‌گیرد که موجب ضرر به خود یا دیگران نشود (۲۸-۲۵).

با این توضیح می‌توان نتیجه گرفت که اگر زوجین بخواهند با توافق و تراضی یکدیگر با استناد به قاعده تسلیط بر نفوس، تصرفاتی معقول و متعارف در اسپرم‌ها ایجاد نمایند و جنینی از نوع و جنسیت دلخواه را وارد رحم کنند به مقتضیات سلطنت بر رحم خود عمل کرده‌اند.

۳-۱- استناد به آیه شریفه نساء کم حرث لکم: یکی از آیاتی که می‌توان برای مشروعیت تعیین جنسیت به آن تمسک جست آیه ۲۲۳ از سوره بقره است. به عقیده بسیاری از مفسران آیه مذکور در مقام بیان این است که نسبت زنان جامعه اسلامی همانند نسبت کشتزار است به انسان کشت کار، لذا اطلاق حرث برای زنان به منظور کشتزار جهت تولید نسل و فرزندآوری است (۲۹-۳۰).

اگرچه برخی از مفسران دلالت آیه شریفه مذکور را به کیفیت و زمان و مکان آمیزش تفسیر نمودند و عده‌ای هم در برداشتی عجیب به جواز عزل (انزال در خارج از رحم) حکم نمودند و بعضی دیگر نیز قائل به جواز وطی در دُبر شدند (۳۱)، اما حقیقت آن است که آیه شریفه، شأن نزول دارد و بیان می‌دارد که یهود وقت‌های معینی را برای آمیزش با زنان مطرح

می‌کردند، این آیه نازل شد تا به مردم متعصب آن عصر بفهماند که هر زمان خواستید و مانعی نبود، می‌توانید با همسرانتان نزدیکی و آمیزش کنید (۳۲). حاصل کلام این است که موقعیت زنان در جامعه انسانی همانند زراعتی است که آدمی برای ابقای جامعه انسانی و برای دوام و بقای نسل محتاج به زنان است، زیرا خداوند متعال، تکون انسان و مصورشدن او را به این صورت در طبیعت رحم قرار داده است (۳۳). به نظر می‌رسد با عنایت به قبل و بعد آیه شریفه فوق‌الذکر، منظور آیه فرزندآوری باشد آن هم از مجرای طبیعی آن که فرج باشد، لذا سفارش به رعایت تقوا در ذیل این آیه گویای آن است که مرد باید حالات و موقعیت همسرش را درک نماید و موجبات رنجش وی را فراهم نسازد و از مسیری که سبب تولید مثل می‌شود، مجامعت نماید.

نتیجه آنکه آیه مذکور، رحم زن را به منزله زمین مساعد محل رشد و نمو نطفه‌ها معرفی نموده است و چنین کشتزاری استعداد پذیرش هر گونه بذری را از جنس انسان در خود دارد، اکنون می‌توان گفت که در عصر کنونی با پیشرفت فناوری‌های ژنتیکی این توانایی به وجود آمده که بذره‌های اسپرم از هم تفکیک شوند. به عبارتی دیگر، کروموزوم‌های مذکر از مؤنث جدا شود و با حفظ شرایطی، جنین به وجوده از جنس مطلوب و دلخواه زوجین به آنان اعطا گردد، لذا برای ورود به این کشتزار که فرج زن باشد، جهت تولید مثل، شیوه‌های متفاوتی وجود دارد، از جمله می‌توان به شیوه‌هایی چون تلقیح مصنوعی، رحم اجاره‌ای و کشت جنین دلخواه اشاره کرد (۳۴).

۴-۱- گذر از سنتی به سنت دیگر: مطابق آنچه گذشت، تقسیم قضا و قدر به حتمی و غیر حتمی از وضع خاص موجودات طبیعی سرچشمه می‌گیرد، موجودی که استعداد و قابلیت متعدد دارد و علل مختلف ممکن است در او تأثیر کند و هر علتی او را در یک مجرا و یک مسیر به خصوص قرار می‌دهد، مقدرات متعددی دارد به هر اندازه که به علل گوناگون بستگی و ارتباط دارد، مقدرات دارد. از این رو سرنوشت و قضا و قدر چنین موجودی غیر حتمی است. به عبارت دیگر آن دسته از پدیده‌هایی که طبیعت آن‌ها استعداد بیش از یک آینده را دارد، سرنوشت‌شان غیر حتمی است، لذا قوانین و سنن قطعی مظاهر و مجاری قضا و قدر الهی است، یعنی قضا و قدر حتمی آن قانون و سنت و ناموسی است که شرایطش وجود پیدا کرده و عمل

اجرا شده است و قضا و قدر غیر حتمی آن قانون و سنتی که شرطش واقع نشده و عملاً مصداق پیدا نکرده است (۳۵).

با این توضیح می‌توان گفت فناوری‌های زیست‌پزشکی موجب شد تا حق انتخاب افراد در مسأله جنسیت فرزندان افزایش یابد. این دستاورد بشری و شکوفایی استعداد علمی او، مظهر حکمت و علم خداوند است انسان با بهره‌گیری از فناوری ژنتیک با انتخاب جنسیت از سنتی به سنت دیگر خداوند گذر می‌کند. بنابراین چنین تصرف در فضای جنینی که هنوز تکوین نیافته و جنسیت آن محرز نشده است، تغییر و تبدل در سنت الهی به شمار نمی‌آید، بلکه به نوعی گزینش و انتخاب قانون و سنتی از میان دیگر سنت‌ها است، مثلاً ماده‌ای که استعداد و قابلیت مذکرشدن را داشت و وابسته به علل مؤثر خود بود، با انتخاب علت دیگر مقدرات دیگری برای او رقم می‌خورد و جنسیت دختر تعیین می‌شود.

علاوه بر آن، دانایی برای آدمیان، توانایی پدید می‌آورد. علم سرّ تسخیر عالم و موهبت الهی برای به خدمت‌گرفتن سنت‌ها است. در حقیقت، خلافت انسان از جانب خداوند در بستر علم فعلیت پیدا می‌کند و آدمی با دانایی به خلافت خداوند در سنت‌گزینی، جامه عمل می‌پوشاند، لذا بر اساس آموزه‌های انسان شناختی اسلامی، انسان به حکمت الهی از ظرفیت علمی بزرگی بهره‌مند است که می‌تواند با گزینش سنتی، موقعیت خویش یا پدیده‌های دیگر را دگرگون سازد. بدیهی است این دگرگونی نباید به ضرر و زیان موجودی بیانجامد، زیرا هر گونه تصرف زیان‌بار، انحراف از سنت‌های الهی تلقی می‌گردد نه گذر از سنتی به سنت دیگر.

۵-۱- عروض عناوین ثانوی: هر حکمی که از طرف شارع مقدس تشریح می‌گردد، در برخی از شرایط و احوالات اگر مستلزم ضرر و زیان باشد، از صفحه تشریح مرفوع است، زیرا انسان در دایره تکلیف به اندازه توان مکلف شده است، لذا هر وقت ضرورتی پیش آید، حرام به عنوان حلال مطرح می‌شود و در ما نحن فیه اگر بیماری‌های ناقل وابسته به جنسیت خاص به خاطر تک‌جنس‌زدایی بخواهد سلامتی روحی و روانی مادری را در مخاطره اندازد، به حکم قاعده الضرورات تبیح المحذورات می‌توان به درمان وی از روش انتخاب جنین اقدام نمود.

به عنوان مثال، مادری که ناقل بیماری وابسته به جنس است و به دلیل بیماری مذکور، فرزندان بیمار احیاناً عقب‌افتاده و ناقص‌الخلقه به دنیا می‌آورد، حسب قاعده لاضرر و لاضرار و اصل جواز مداوای بیماران می‌توان حکم به انتخاب جنسیت نمود. همچنین مادری که توان

باروری‌های مکرر را ندارد و سن باروری او از حد طبیعی گذشته است یا دچار بیماری خاصی است که زایمان پی در پی به سلامت جسمی و روحی وی آسیب وارد می‌کند، همین حکم جاری است (۳۶-۳۷). همچنین از جمله دلایلی که می‌توان بر جواز استفاده از فناوری انتخاب جنسیت برای رسیدن به فرزند دلخواه بیان کرد، قاعده نفی عسر و حرج است، مفاد این قاعده، نفی حرج در دایره تشریح و قوانین است، یعنی در دین اسلام احکامی که حرجی باشد، وجود ندارد، لذا اگر حکم به عدم جواز استفاده از روش آزمایشگاهی انتخاب جنین شود، شاید تعداد زیادی از زوجین دچار مشقت شوند که در شرایط عادی تحمل این وضعیت در برخی از فرهنگ‌ها سخت جلوه کند، در نتیجه استفاده از این روش در موارد عسر و حرج جایز باشد.

لذا گاهی استفاده از این روش در واقع به منزله نجات جان برخی از زنان است که شوهرانشان به جنسیت خاصی از فرزند تعصب دیرینه دارند و همچنین بسیاری از چالش‌های زندگی زناشویی چون تعدد ازدواج، ازدواج پنهانی و... جلوگیری خواهد کرد و در نتیجه موجب همبستگی و دلگرمی بیشتر زوجین می‌شود، زیرا کمبودی که از لحاظ نداشتن فرزندی از جنس خاص وجود داشت با انتخاب جنسیت، جبران خواهد شد. در نتیجه، تبعات مخرب و منفی نداشتن فرزند با جنسیت دلخواه در برخی ملل، بیشتر از صدمات احتمالی انتخاب جنسیت است.

۶-۱- اصل مصلحت: در دنیای معاصر به دلیل سرعت یافتن تحولات و دگرگونی‌های شئون زندگی، مصلحت‌اندیشی امر اجتناب‌ناپذیر است، زیرا ما معتقدیم خداوند در تشریح و قانونگذاری نیز مانند دیگر افعالش به دنبال غرض و انگیزه‌ای بوده است و آن چیزی نیست جز مصلحت مکلفان و بندگان (۳۸).

لذا فقه شیعه که آموزه‌های آن پویا و متناسب روح زمان است، از آغاز پیوندی ناگسستگی با مصلحت داشته است و آن را در کنار دیگر منابع فقهی لحاظ می‌نموده است و مصلحت را حجیت می‌داند که قطعی و عملی در چارچوب قواعد و ضوابط شرعی نقش‌آفرینی کند و با حکم عقل به عنوان یکی از منابع چهارگانه فقه شیعه منطبق باشد، یعنی هر جا که عقل، یک مصلحت و یا مفسده قطعی را کشف کند، از راه استدلال، حکم می‌کنیم که شرع اسلام در اینجا حکمی دایر بر استیفای آن مصلحت و یا دفع آن مفسده دارد، هرچند آن حکم از طریق نقل به ما نرسیده باشد؛ دلیل این باور نیز این است که وقتی گوهر عقل در انجام عملی، مصلحت لازم

یا مفسده حتمی دید، در درک خویش نسبت به خوبی و بدی درنگ نمی‌کند و حکمی را می‌دهد که هر قانونگذار خبیر و حکیم دیگری نیز به آن حکم خواهد کرد (۳۹). با این تفصیل می‌توان گفت چنانکه تعداد دختران و پسران جامعه به نحوی باشد که تناسب و توازن جنسیتی افراد جامعه به هم بریزد، به عنوان مثال اگر اکثریت جامعه را مردان تشکیل دهند، نتیجه آن می‌شود که بسیاری از آقایان از موهبت ازدواج و تشکیل خانواده محروم بمانند، لذا حاکم می‌تواند حسب مصلحت مقتضی با دخالت در نظام انتخاب جنسیت نسبت به سازماندهی جنسیتی آحاد جامعه، سیاستگذاری کند و در این راستا با سیاست‌های تشویقی، حتی ساز و کارهای الزامی ضمن احترام به خواسته زوجین در فرزندان بالاتر از دو نفر که یکی دختر و دیگری پسر باشد نسبت به فرزندآوری دختر رهنمون گردد.

نتیجه‌گیری

انتخاب جنسیت با روش‌های متعددی چون رژیم غذایی، شیوه مقاربتی، تزریق اسپرم و روش تشخیص ژنتیکی پیش از لانه‌گزینی انجام می‌پذیرد که از میان روش‌های مذکور، روش اخیر (PGD) از نتیجه مطمئن‌تری برخوردار است. این روش به دلایل پزشکی هرچند مخالفی ندارد، ولی به دلایل غیر پزشکی با ایراد و انتقاداتی مواجه است، از جمله رواج تبعیض جنسیتی، اختلال در توازن و جمعیت، تغییر در خلقت خدا، مخالفت با مشیت الهی و...

نگارندگان در این پژوهش به این نتیجه دست یافته‌اند که انتخاب جنسیت در حقیقت گزینش جنسیتی به جای جنسیت دیگر است و جایگزین کردن علتی به جای علت دیگر در نظام علت و معلول تلقی می‌شود و به تعبیر دیگر عمل مذکور نوعی حرکت در چارچوب قضا و قدر غیر حتمی الهی است، لذا با آگاهی صحیح از سنت حاکم بر نظام احسن، استفاده از فناوری‌های انتخاب جنسیت جنین و درمان‌های جدید ناباروری، نه تنها دخالت در فعل خداوند و مخالف با مشیت الهی محسوب نمی‌شود، بلکه خلیفه‌بودن انسان و همچنین مسخربودن آسمان‌ها و زمین تا زمانی که به انجام نواهی خداوند منجر نشود، با تصرف در این امور تحقق پیدا می‌کند.

علاوه بر این، حکم به جواز انتخاب جنسیت با ادله متعددی چون اصل اباحه، اصل برائت، جواز مداوا، قاعده لاضرر، قاعده لاجرح، قاعده تسلیط، اصل مصلحت قابل اثبات است مشروط بر

این‌که عمل مذکور در شرایط ضروری با تشخیص و مصلحت‌بینی خبرگان این کار با پرهیز از مقدمات حرام صورت گیرد. همچنین به استناد قاعده لاضرر و لاجرح حکم به جواز انتخاب جنسیت می‌تواند از بسیاری از بیماری‌های وابسته به جنس پیشگیری نماید و در برخی از موارد استفاده از این روش قادر است جان بسیاری از زنانی که شوهرانشان به جنسیت خاصی از فرزند تعصب دیرینه دارند، از باروری‌های مکرر و تبعات مخرب و منفی نداشتن فرزند با جنسیت دلخواه رهایی بخشد.

در این راستا، تصویب قوانین مربوط به تجویز انتخاب جنسیت از طریق تشخیص ژنتیکی پیش از کاشت جنین با رعایت حفظ تعادل نسبت جنسی سالیانه در هریک از مراکز انجام دهنده انتخاب جنسیت با حضور و صلاحدید کارشناسان متعهد و آگاه از فرزند اول به بعد در خصوص برخی از خانواده‌هایی که بیماری‌های وابسته به جنس خاصی از فرزند دارند یا با تعصب دیرینه به داشتن فرزندی از جنس دلخواه اصرار می‌ورزند، می‌تواند راه‌گشای مناسبی برای برخی از مشکلات زوجین در امر فرزندآوری باشد.

References

1. The Holy Quran.
2. Nourizadeh R. Ethical Challenges for Gender Determination for Non-Medical Methods by Genetically Identifiable Pre-Embryonic Disease. *Medical Ethics Quarterly* 2010; 4(12): 107-132.
3. Piri A. Legitimacy of Gender Selection through PGD (Pre-Implantation Genetic Detection). *Jurisprudential Research* 2014; 10(2): 247-270.
4. Montazeri A. Sex determination of child with diet. *Shahrazad Journal* 2001; 13(2): 1-5.
5. Blurian Z. Pregnancy, Gender and its Relationship with the Quality of Marital Relationships. *Journal of Faculty of Medical Sciences and Health Services* 2004; 9(2): 79-84.
6. Piri A. Legitimacy of Gender Selection through PGD (Pre-Implantation Genetic Detection). *Jurisprudential Research* 2014; 10(2): 247-270.
7. Nourizadeh R. Ethical Challenges for Gender Determination for Non-Medical Methods by Genetically Identifiable Pre-Embryonic Disease. *Medical Ethics Quarterly* 2010; 4(12): 107-132.
8. Taskhiri M. A look at the subject of human simulation by new technology. *Ahl al-Bayt Jurisprudence Quarterly* 2007; 13(52): 59-70.
9. Allameh Tabatabai MT. *Ali-Mizan*. Qom: Islamic Publishers Office; 1995. Vol.5 p.39.
10. Fazel J. *Masalak al-A'fam al-Ayyat al-waham*. Tehran: Mortazavi Publishing House; 2010. Vol.40 p.40.
11. Allameh Tabatabai M. *Al-Mizan Interpretation*. Qom: Islamic Publishers Office; 1995. Vol.5 p.137.
12. Kelini M. *Sufficient Principles*. Tehran: Islami Book Publishing; 1407. Vol.1 p.183.
13. Sobhani Tabrizi C. *Algebra*. Qom: Imam Sadiq Institute (AS); 1929. p.432.
14. Motahari M. *Collection of Works*. Tehran: Sadra Publication; 2002. p.392.

15. Piri A. Legitimacy of Gender Selection through PGD (Pre-Implantation Genetic Detection). *Jurisprudential Research* 2014; 10(2): 247-270.
16. Samadi Amoli D. *The Descriptions of Harmony*. Tehran: Nuralsjjad; 2004. Vol.2 p.109.
17. Motahari M. *Man and Destiny*. Tehran: Sadra Publication; 1999. p.81.
18. Khamenei A. *Sex determination*. Tehran; 2008. Available at: <http://leader.ir/fa/book/?sn=22100>.
19. Khamenei A. *Sex determination*. Tehran; 2008. Available at: <http://www.leader.ir/fa/book/2/?sn=4553>.
20. Mobasher Kashani KH. *Sex determination*. Qom; 2009. Available at: <http://www.marjaeyat.com/fa/pages/?cid=2434>.
21. Systani A. *Sex determination*. Qom; 2009. Available at: <http://www.sistani.org/persian/qa/01019/#13690>.
22. Rohani M. *Sex determination*. Qom; 2008. Available at: <http://www.rohani.ir/istefta-1381.htm>.
23. Makarem Shieazi N. *Sex determination*. Qom; 2007. Available at: <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=21&lid=0&catid=46901&mid=263608>.
24. Hor Ameli M. *Wesela al-Shi'a*. Qom: Al-Alibet Institute; 1412. Vol.6 p.290.
25. Hor Ameli M. *Wesela al-Shi'a*. Qom: Al-Alibet Institute; 1412. Vol.6 p.290.
26. Sheikh Ansari M. *Masqa'eq*. Qom: Articles of the Dar Al-Zakhir; 1411. Vol.3 p.306.
27. Moosavi Khomeini R. *Book of Eliab*. Qom: The Ismaili Institute. p.1, 42.
28. Makarem Shirazi N. *The rules of jurisprudence*. Qom: Imam Ali-ibn Abitaleb School; 1419. Vol.2 p.36.
29. Hakim M. *Inspector Al-Utaqi*. Beirut: Dar Aliaat Al-Arabi; 2012. V.10 p.17.
30. Moghineh M. *Explanation of the Explorers*. Qom: Islamic Propaganda Office; 1999. Vol.1 p.89.

31. Tusi M. Al-Tibayan. Beirut: Dar Aliaat Al-Arabi. Beirut: Dar al-Haya al-Tarath al-Arabi; 1989. Vol.2 p.222.
32. Hawizi A. Interpretation of Nur al-Qalqin. Qom: The Ismaili Publication; 1415; Vol.1 p.216.
33. Tusi M. Al-Tibayan. Beirut: Dar Aliaat Al-Arabi; Vol.2 p.223.
34. Allameh Tabatabai M. Al-Mizan Interpretation. Qom: Islamic Publishers Office; 1995. Vol.2 p.320.
35. Rezanya M. Teacher of medical fertilizers from the point of view of jurisprudence and law. Qom: Boostan Book; 2004. p.223.
36. Motahari M. Man and Destiny. Tehran: Sadra Publication; 1999. p.81.
37. Naghibi A. Wicked Rule and Compensation to the Family. Islamic Law Research and Legal Research, Tehran University of Science 2011; 4(7): 9-24.
38. Ghanbarpour B. Fertility condition while marriage contract and its place in preventing generation decline. Journal of Jurisprudence and Islamic Law Research 2015; 11(40): 75-88.
39. Ali Dosty A. Jurisprudence and expediency. Tehran: Research Center for Islamic Culture and Thought; 2009. p.159.